

تحلیل ارتباط صنعتی شدن، تقسیم کار و روابط اجتماعی در ایران مبتنی بر دیدگاه دورکیم با رویکرد اقتصادسنجی فضایی

حمید عزیزمحمدلو^۱

چکیده

یکی از عوامل و سازوکارهایی که در تعیین و جهت‌دهی نوع ساختار روابط اجتماعی هر جامعه‌ای اثرگذار است، میزان یا سطح صنعتی شدن آن جامعه است. صنعتی شدن شرایط و مقدمات لازم را برای تخصصی‌تر شدن فعالیت‌های اقتصادی و تقویت تقسیم کار اجتماعی فراهم نموده و از آن طریق چگونگی و شعاع روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این مقاله در چارچوب دیدگاه تقسیم کار اجتماعی دورکیم، تأثیر صنعتی شدن بر سطح و نوع روابط اجتماعی حاکم بر استان‌های مختلف کشور با تأکید بر سازوکار تخصصی شدن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. بدین منظور از رویکرد اقتصادسنجی فضایی و همچنین داده‌های استان‌های کشور در دو مقطع زمانی ۱۳۸۳ و ۱۳۹۳ بهره گرفته شده و روابط بین صنعتی شدن، تقسیم کار و روابط اجتماعی برآورد گشته و مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است که بین سطح توسعه فعالیت‌های صنعتی در استان‌ها طی دو مقطع زمانی از یک طرف و سطح تخصصی شدن فعالیت‌های صنعتی و میزان تقسیم کار از طرف دیگر رابطه مثبت وجود دارد. همچنین افزایش تقسیم کار و تخصصی شدن فعالیت‌های اقتصادی نیز از یک سو منجر به بهبود و تقویت روابط اجتماعی میان گروهی (ارگانیک) مبتنی بر قواعد و هنجارهای رسمی شده و از سوی دیگر باعث کم‌رنگ‌تر شدن روابط درون‌گروهی (مکانیکی) مبتنی بر ساختارهای سنتی گشته است. اما از آنجا که قدر مطلق میزان تأثیر مثبت صنعتی شدن بر روابط ارگانیکی از قدر مطلق میزان تأثیر منفی آن بر روابط مکانیکی کمتر است، درجه جانشینی روابط ارگانیکی به جای روابط مکانیکی در فرایند صنعتی شدن در کشور ضعیف بوده و از این رو ساختار روابط اجتماعی کشور متناسب با شرایط یک جامعه صنعتی تحول و تکامل نیافته است.

واژگان کلیدی: صنعتی شدن، تقسیم کار، روابط اجتماعی، امیل دورکیم، اقتصادسنجی فضایی.

مقدمه

امیل دورکیم^۱ (۱۸۹۳) جامعه‌شناس بزرگ قرن نوزدهم، در اثرش پیرامون تقسیم کار در جامعه^۲، ضمن بررسی علل گذار از جامعه سنتی (مکانیکی^۳) به جامعه متجدد (ارگانیکی^۴)، این ایده را مطرح ساخته است که صنعتی شدن نوع جدیدی از تقسیم کار را در اروپا به وجود آورد که باعث درهم شکسته شدن یک سلسله ارزش‌ها و هنجارهای مشترک اجتماعی شد. در واقع بر پایه ایده دورکیم، در فرآیند صنعتی شدن نوع و ساختار روابط بین افراد جامعه دستخوش تحولات بنیادین می‌شود به‌گونه‌ای که همراه با صنعتی شدن جوامع و رشد و توسعه فعالیت‌های صنعتی از میزان و شدت روابط سنتی و مکانیکی که ریشه در سنن، عقاید، ارزش‌ها و عادات جمعی دارد، کاسته شده و بر شدت روابط ارگانیکی که ریشه در ساختارهای رسمی دارد افزوده می‌شود.

به عبارت دیگر، در فرآیند صنعتی شدن، دو نوع از روابط اجتماعی متأثر می‌شود. روابط مبتنی بر ساختارهای سنتی و غیررسمی تضعیف و روابط مبتنی بر ساختارهای جدید و رسمی تقویت می‌شود (دورکیم، ۱۸۹۳). از این رو، کارکرد روابط مبتنی بر ساختارهای رسمی تقویت شده و کاستی‌های ناشی از ضعف کارکرد روابط مبتنی بر ساختارهای سنتی و غیررسمی را جبران می‌نماید. در نتیجه به واسطه صنعتی شدن نظم جدیدی در جامعه حاکم می‌گردد که بر اساس آن تعاملات و روابط اجتماعی سازمان می‌یابد. چنانچه این نظم جدید شکل نگیرد، برآیند آن موجب همبستگی اجتماعی شده و به کاهش مشارکت اجتماعی، تضعیف فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی، افزایش جرائم اجتماعی، اختلال در نظام روابط جمعی، کاهش احساس مسئولیت مشترک اجتماعی، رواج فرهنگ فردگرایانه منفی و موارد متعدد مشابه دیگر، منتهی می‌شود.

اما سؤالی که مطرح است این است که آیا چنین تحولی لزوماً در تمامی جوامع همانند جوامع اروپایی که دورکیم مدعی شده است، تحقق و عینیت می‌یابد. یعنی آیا در جوامع مختلف و خصوصاً در جوامع در حال توسعه‌ای چون ایران، همراه با صنعتی شدن که روابط سنتی و مبتنی بر ساختارهای غیررسمی را تضعیف می‌نماید، روابط جدید و مبتنی بر ساختارهای رسمی شکل می‌گیرد تا بتواند نظم جدیدی را در روابط اجتماعی حاکم سازد و آیا فرضیه جانشینی روابط ارگانیکی به جای روابط مکانیکی در ایران قابل تأیید است. این امر موضوعی است که به طور مستقیم مد نظر تحقیقات پیشین قرار نگرفته است. به عبارت دیگر، با وجود آنکه در مطالعاتی

1- Émile Durkheim

2- The Division of Labour in Society

3- Mechanical

4- Organic

(همچون دانش مهر و همکاران، ۱۳۹۷؛ محمدیان و دریا گوهر، ۱۳۹۷؛ حاتمی و ذاکر حقیقی، ۱۳۹۶؛ سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۶؛ خباز و همکاران، ۱۳۹۵؛ عباسی شوازی و همایون، ۱۳۹۳؛ بابایی فرد، ۱۳۹۲؛ مهدی زاده و خیلا، ۱۳۹۲؛ رضوانی و همکاران، ۱۳۸۹ و طاهرخانی، ۱۳۸۰) تأثیر متغیرهایی از جمله صنعتی شدن، شهرنشینی، فناوری اطلاعات، اینترنت و رسانه‌های اجتماعی بر روابط اجتماعی به طور عام و بدون تفکیک روابط به مکانیکی و ارگانیکی، مورد بررسی قرار گرفته است، اما این امر که در اثر صنعتی شدن و افزایش تقسیم کار، ساختار روابط اجتماعی در ایران چگونه تحول یافته است نیاز به بررسی در چارچوب یک مطالعه مشخص دارد. نتایج مطالعات یادشده به دو دلیل در ارائه تحلیل جامع در خصوص این موضوع دارای محدودیت هستند. دلیل اول این است که نمونه آماری مورد مطالعه این مطالعات به یک شهر، منطقه، روستا یا قشری خاص محدود است که امکان شناخت تأثیرات صنعتی شدن را بر روابط اجتماعی کشور در سطح کلان فراهم نمی‌آورد. دلیل دوم عدم بررسی مقایسه‌ای تأثیرات متغیرهایی از جمله صنعتی شدن بر روابط اجتماعی ارگانیکی و مکانیکی است. در این مقاله که تلاشی است برای بررسی و آزمون تأثیر مقایسه‌ای صنعتی شدن و تخصصی شدن بر دو نوع روابط اجتماعی ارگانیکی و مکانیکی، با بررسی و تحلیل دیدگاه دورکیم در خصوص چگونگی اثرگذاری تقسیم کار اجتماعی بر روابط و همبستگی اجتماعی، با استفاده از رویکرد اقتصادسنجی فضایی و با به‌کارگیری داده‌ها و اطلاعات سال ۱۳۹۳ تأثیر صنعتی شدن و تقسیم کار اجتماعی بر همبستگی مکانیکی و ارگانیکی در ایران مورد آزمون قرار گرفته و تحلیل شده است. بدین منظور سه سؤال به شرح زیر در نظر گرفته شده است:

۱- صنعتی شدن چه تأثیر بر روابط اجتماعی مکانیکی و ارگانیکی در ایران داشته است؟

۲- تخصصی شدن و تقسیم کار چه تأثیری بر روابط اجتماعی مکانیکی و ارگانیکی در ایران داشته است؟

۳- تأثیر غیرمستقیم صنعتی شدن بر روابط اجتماعی ارگانیکی و مکانیکی از طریق سازوکار تخصصی شدن و تقسیم کار در ایران چگونه است؟

مبانی نظری

انسان، موجودی اجتماعی است که ارتباط و تعامل با دیگران یکی از نیازهای اساسی اوست (کاکا برایی و عزتی، ۱۳۹۶: ۷). از منظر جامعه‌شناسان اهمیت خاص روابط اجتماعی از دو بعد نیاز و وسیله ارضای نیاز مشخص می‌شود (محسنی و زمانی فرد، ۱۳۹۷: ۷۲). روابط اجتماعی^۱ بر

ارتباط و وابستگی متقابل انسان‌ها و جهت‌گیری رفتاری آن‌ها اشاره دارد (ویبر^۱، ۱۹۷۳: ۵۶۷). به عبارت دیگر، روابط اجتماعی به هر گونه کنش متقابل و ارتباط دو جانبه و یا چند جانبه ای که بین انسان‌ها در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی وجود دارد اطلاق می‌شود. این گونه روابط در سه شکل ظهور و بروز خارجی پیدا می‌کند که عبارت‌اند از الف) رابطه از گذر پایگاه اجتماعی، ب) رابطه از گذر نقش اجتماعی و ج) رابطه از گذر فرآیندهای اجتماعی (نیک‌گهر، ۱۳۶۹: ۱۶۰).

برای تبیین روابط اجتماعی دیدگاه‌های نظری و تئوری‌های متفاوتی از رویکردهای مختلف مطرح شده و توسعه یافته‌اند. یکی از رویکردهایی که دیدگاه‌های ذیل آن می‌تواند در تبیین چگونگی اثرگذاری صنعتی شدن و تخصصی شدن بر روابط اجتماعی راهگشا باشد، دیدگاه‌های مطرح شده در حوزه روابط اجتماعی شهری است. این امر از آن روست که صنعتی شدن و تخصصی شدن نه تنها از پدیده‌های ملازم و همراه توسعه شهرنشینی بلکه به زعم اندیشمندانی چون گیلبرت و گوگلر^۲ (۱۹۹۲) عامل محرکه آن به شمار می‌روند.

از این منظر به طور مشخص می‌توان به سه دیدگاه نظری اشاره داشت. دیدگاه اول، دیدگاه جبرگرایی است که از منظر آن شهر به دلیل متغیرهای اکولوژیکی نظیر جمعیت زیاد و متراکم، نامتجانسی ساکنان، اقتصاد پولی، وسایل آسان ارتباطات و رفت‌وآمد و محرکه‌های شهری باعث می‌شود که شهرنشینان دارای روابط اجتماعی متفاوت از ساکنان دیگر مناطق مثل روستا باشند (جلائی‌پور و عبدالله‌پور، ۱۳۹۰: ۱۵۸). دیدگاه دیگر دیدگاه ترکیب‌گرایی است. از نظر این دیدگاه، روابط اجتماعی شهرنشینان متنوع است و ممکن است هم روابط اجتماعی مبتنی بر صمیمیت و عاطفه و هم روابط اجتماعی مدنظر جبرگرایان وجود داشته باشد و تفاوت در آن را می‌توان حاصل متغیرهایی نظیر تفاوت‌های طبقاتی، قومیت، سن، جنسیت، وضعیت تأهل، درآمد، وضعیت تحصیلی، نژاد، نوع شغل و پیشینه افراد دانست، نه ناشی از متغیرهای اکولوژیکی شهری (صدیق‌سروستانی، ۱۳۷۱: ۲۰۲). دیدگاه سوم دیدگاه خرده‌فرهنگی منتسب به کلود فیشر است که بر اساس آن تنوع خرده‌فرهنگی شهرها که با اندازه جمعیت بزرگ ساخته شده، تفاوت‌ها را در بین رفتارهای شهری و روستایی دامن می‌زند (فیشر^۳، ۱۹۷۵: ۱۳۲۶).

صنعتی شدن نه تنها از طریق دامن زدن به توسعه شهرنشینی باعث تغییر ساختار روابط اجتماعی می‌شود، بلکه از طریق افزایش تقسیم کار و تخصصی شدن فعالیت‌های کسب‌وکار نیز موجد تحول در ساختار روابط اجتماعی می‌شود. صنعتی شدن و توسعه فعالیت‌های صنعتی، نقش

1- Weber

2- Gilbert & Gugler

3- Fischer

قابل توجهی در پیچیده شدن و تخصصی شدن فعالیت‌های کسب‌وکار و به تبع آن افزایش تقسیم کار دارد. از طرف دیگر صنعتی شدن شدیداً وابسته به تخصصی‌تر شدن فعالیت‌ها و گسترش تقسیم کار است. بنابراین صنعتی شدن و تقسیم کار به عنوان دو پدیده همراه و مکمل همدیگر محسوب می‌شوند که توسعه یکی از آن‌ها رشد دیگری را به همراه دارد.

در واقع، تقسیم کار مفهومی است که توسط یکی از اقتصاددانان قرن هجدهم به نام آدام اسمیت^۱ (۱۷۷۶) در اثرش به نام «رساله‌ای در باب ثروت ملل»^۲ مطرح شد. وی این اصطلاح را در اشاره به تخصصی شدن فراگرد تولید که از انشعاب فعالیت‌ها به تقسیمات کوچک و فرعی ناشی می‌شود و قسمت‌های مختلف فعالیت‌ها به طور جداگانه به وسیله کارگران مختلف انجام می‌شود، بکار برده است (آبر کرامبی، ۱۳۶۷: ۱۲۳). اما این پدیده به واسطه تأثیرات گسترده‌ای که بر ساختار اجتماعی جوامع دارد مورد توجه خاص جامعه‌شناسان نیز قرار گرفته است.

به عنوان مثال، مارکس^۳ (۱۸۱۸-۱۸۸۳) سخن از تقسیم کار اجتماعی به میان آورده و منظور وی، تشریح ویژگی‌های فرایند متمایز شدن و تخصصی شدن کارهای گوناگون و مشاغل ضروری، در جریان مطلوب جامعه‌ای است که هر روز پیچیده‌تر می‌شود. مارکس معتقد بود، که تقسیم کار در جامعه سرمایه‌داری، تمام جنبه‌های جالب و خلاق کار را نابود کرده و فقط اعمال مرارت‌بار و تکراری را بر جای گذاشته است. از نظر وی تقسیم تکنیکی کار در هر جامعه صنعتی مورد نیاز است؛ به طوری که حتی در شرایط سوسیالیسم و بعد از لغو مالکیت خصوصی و نابرابری هم ادامه خواهد داشت (همان: ۱۲۳).

آگوست کنت^۴ نیز پیش از مارکس، جنبه‌های منفی تقسیم کار در جامعه را مورد تأکید قرار داده و معتقد بود که تقسیم کار، سبب ایجاد شکاف و تفرقه در جامعه می‌شود. دورکیم^۵ (۱۹۱۷-۱۸۵۸) در کتابی با عنوان «تقسیم کار در جامعه» (۱۸۹۳) به تفصیل در خصوص تقسیم کار و آثار آن بر کنش‌های اجتماعی بحث نموده است. دورکیم به نحو مطلوبی تأثیر تقسیم کار را بر همبستگی اجتماعی مورد بحث قرار داده است که اساس کار مطالعه حاضر نیز با تکیه و تأکید بر نظریات دورکیم بنا شده است. از نظر وی، هر جامعه‌ای هم‌زمان با رشد جمعیت و افزایش تراکم جمعیت آن، به سوی ماشینی‌شدن و تراکم نیرو و سرمایه حرکت می‌کند؛ در نتیجه تقسیم کار برحسب تخصص و توانایی افراد، شکل می‌گیرد. از نظر دورکیم، تقسیم کار اشاره بر آن دارد که

1- Adam Smith

2- Teritise on the Nation's Wealth

3- Marx

4- August Cont

5- Dorkheim

شغل‌ها بر اساس تخصص و توانایی افراد تقسیم و به هر فرد، وظیفه‌ای محول می‌شود تا محصولات موردنیاز جامعه را تولید کند. هرچه جمعیت یک جامعه رشد بیشتری کرده و تراکم جمعیتی آن بیشتر شود، آن جامعه، مکانیزه‌تر شده و از آن‌رو تقسیم کار، پیچیده‌تر می‌شود. بنابراین، نمود تقسیم کار اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسان، با تبیین آن از دیدگاه اقتصاددانان فرق دارد. تقسیم کار اجتماعی، نوعی ساخت‌پذیری تمامی جامعه است، که تقسیم کار فنی یا اقتصادی، مظهری بیش از آن نیست. اما از نظر جامعه‌شناسانی چون دورکیم، تقسیم کار، یک امر اخلاقی هم است و بیش‌ازپیش در جوامع، به شرط اساسی همبستگی اجتماعی تبدیل می‌شود (آرون، ۱۳۸۱: ۳۷۰-۳۶۰ و دورکیم، ۱۳۸۱: ۳۶۰-۳۵۰).

به موازات پیشرفت و تکامل جوامع، پیوندهای فرد با خانواده، با سرزمین پدری، با سنن بازمونده از گذشته و با عادات جمعی گروه، سست‌تر می‌شود. فرد، که تحرک بیشتری یافته، آسان‌تر می‌تواند محیط خود را تغییر دهد، بستگان خویش را ترک گوید و زندگی مستقلی در پیش گیرد و در شکل دادن به اندیشه‌ها و احساسات خویش سهم بیشتری داشته باشد و از آنجاکه وجدان‌های فردی متراکم‌تر، هوش بشری غنی‌تر و فعالیت، متنوع‌تر می‌شود، برای آن‌که اخلاقیات ثابت بماند، یعنی فرد، با نیرویی برابر نیروی گذشته همبستگی خود را با گروه حفظ کند، لازم است، پیوندهای فرد با گروه نیرومندتر و متعددتر شوند. از این‌رو، دورکیم در بحث تقسیم کار، دو نوع همبستگی را از هم تفکیک می‌کند.

همبستگی مکانیکی^۱، همبستگی از راه همانندی بوده و افراد جامعه، با هم تفاوت زیادی ندارند، و اجتماع واحدی‌اند و احساسات واحدی دارند. جامعه از آن‌رو منسجم است که تمایز اجتماعی پیدا نکرده است. همبستگی ارگانیکی^۲ که خاص جوامع جدید است، همبستگی‌ای است که در نتیجه تمایز اجتماعی افراد از هم، بیان می‌شود؛ زیرا افراد را در قیاس با اندام‌های موجود زنده، بررسی می‌کند و معتقد است اندام‌ها، گرچه هرکدام وظیفه خاصی دارند و همانند هم نیستند، اما همگی آن‌ها برای حیات موجود زنده لازم است. بنابراین از نظر دورکیم، عامل اصلی پیوند در جامعه نوین؛ که به خاطر پیچیدگی‌هایش قدرت وجدان جمعی کاهش یافته است، تقسیم کار اجتماعی پیچیده است. از نظر دورکیم «تقسیم کار، نمودی اجتماعی است و چیزی نیست جز ترکیبی از "حجم جامعه"^۳، "تراکم مادی"^۴ و "تراکم اخلاقی"^۵. "حجم جامعه، همان تعداد افرادی

1- Mechanical solidarity

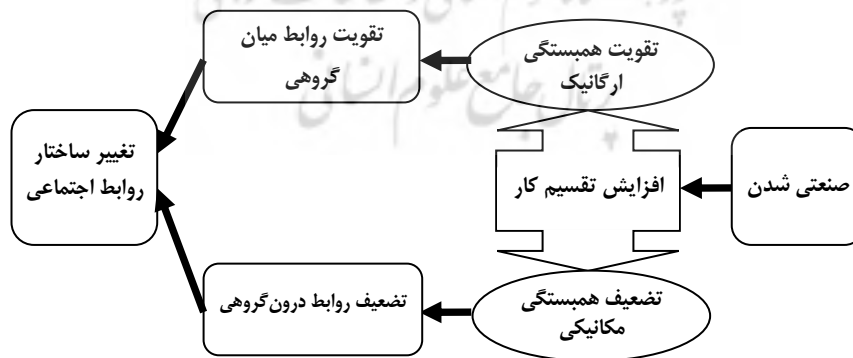
2- Organic solidarity

3- Social Volume

4- Material Density

5- Moral Density

است که به یک اجتماع معین، تعلق دارند. تراکم مادی، عبارت است از تعداد افراد در رابطه با سطح معین خاک. تراکم اخلاقی، عبارت است از شدت ارتباطها و مبادلات بین افراد» (دورکیم، ۱۳۸۱: ۳۶۰). همچنان که در شکل (۱) نشان داده شده است، توسعه فعالیت‌های صنعتی که منجر به افزایش پیچیدگی فعالیت‌ها و افزایش تقسیم کار می‌شود، دو اثر عمده بر سازوکارهای تسهیل‌کننده کنش‌ها و روابط اجتماعی برجای می‌گذارد. از یک طرف باعث ایجاد تمایز بیشتر در ویژگی‌های فردی و اجتماعی افراد جامعه می‌شود و همانندی و وجوه مشترکی را که به واسطه آن‌ها روابط بین افراد تسهیل می‌گردد، ضعیف‌تر می‌نماید. در این حالت به واسطه افزایش تراکم جمعیت و پیچیدگی روابط، مواردی چون شناخت افراد نسبت به یکدیگر، نژاد و زبان مشترک، عرف و سنن مشترک و اعتماد به یکدیگر نقش ضعیف‌تری را در بهبود روابط بین افراد بازی می‌کنند. این امر همچنان که دورکیم بیان می‌دارد باعث تضعیف همبستگی مکانیکی می‌شود. از طرف دیگر پیچیدگی روابط منجر به پیدایش نقش‌ها و تخصص‌های مختلف شده و قواعد و سازوکارهای مناسب را نیز برای اجرای این نقش‌ها ایجاد می‌نماید. در چنین حالتی روابط بین افراد بر اساس نقش‌های تعریف شده برای هر یک از آن‌ها شکل می‌گیرد نه بر اساس معیارهایی چون شناخت، عرف، سنن و غیره. در واقع نوع همبستگی بین افراد حالت ارگانیکی و سازمان‌یافته به خود می‌گیرد و همبستگی ارگانیکی بین افراد نیز بر اساس شناخت آن‌ها از نقش خود در فرآیند تقسیم کار برقرار می‌شود. در واقع همبستگی ارگانیکی در چارچوب شکل‌گیری و توسعه قوانین و هنجارهایی ایجاد می‌شود که بر ارزش و اهمیت فرد و آنچه دورکیم از آن به «آیین فردی»^۱ تعبیر می‌نماید، تأکید می‌کنند.



شکل شماره ۱: تأثیر صنعتی شدن بر ساختار روابط اجتماعی از طریق تقسیم کار (منبع: یافته‌های تحقیق حاضر)

بنابراین صنعتی شدن و در نتیجه آن افزایش تقسیم کار باعث متحول شدن ساختار روابط اجتماعی می‌شود. به عبارت دیگر، تقسیم کار منجر به شکل‌گیری یک اثر جانشینی می‌شود که در قالب آن روابط میان گروه‌های جانشین روابط درون گروهی می‌گردد. روابط درون گروهی در اثر تضعیف همانندی‌ها کاهش می‌یابد و روابط میان گروهی و پیوندی به دلیل تعریف و توسعه نقش‌ها، قواعد و نهادهای رسمی‌تر تقویت می‌شود. به طور بدیهی افزایش و کاهش روابط اجتماعی در اثر تقسیم کار حاصل از صنعتی شدن بستگی به برآیند این دو عامل دارد. هر اندازه در فرآیند صنعتی شدن و رشد تقسیم کار، نقش‌ها و قواعد رفتاری مناسب‌تر تعریف گردند و نهادهای تنظیم‌کننده روابط و کنش‌های افراد جامعه کاراتر عمل نمایند، روابط میان گروهی و پیوندی به گونه‌ای تقویت می‌شود که نقصان ناشی از کاهش روابط درون گروهی را پوشش داده و در نهایت منجر به افزایش سطح کلی روابط اجتماعی می‌شود. عکس این حالت زمانی است که متناسب با میزان صنعتی شدن چارچوب‌های نهادی و قانونی مناسب برای تنظیم روابط فراهم نگردد. در این صورت هم روابط درون گروهی و هم میان گروهی دچار آسیب شده و در مجموع روابط اجتماعی و همبستگی اجتماعی تضعیف خواهد شد.

پیشینه تجربی

بر اساس جستجوی صورت گرفته، مطالعه‌ای که به طور مستقیم در ارتباط با موضوع مدنظر این تحقیق انجام یافته باشد، یافت نشد. با این وجود، در برخی مطالعات تأثیر متغیرهایی از جمله صنعتی شدن، شهرنشینی، فناوری اطلاعات، اینترنت و رسانه‌های اجتماعی بر روابط اجتماعی و همچنین انسجام اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. به عنوان مثال، فیروزآبادی و همکاران (۱۳۹۷) با بررسی پیامدهای اجتماعی و زیست‌محیطی صنعتی شدن ضمن تحلیل موردی طرح پتروشیمی مهاباد نشان دادند که اجرای این طرح منجر به کاهش انسجام اجتماعات محلی و همچنین افزایش واگرایی اجتماعی در منطقه شده است. محمدیان و دریا گوهر (۱۳۹۷) نشان دادند که رابطه‌ای مثبت و معنادار بین مؤلفه‌های کیفیت محیط شهری (ایمنی و امنیت، یکپارچگی، سرزندگی، نفوذپذیری و خوانایی) به عنوان متغیر مستقل و روابط اجتماعی شهروندان منطقه یک شهرداری تبریز به عنوان متغیر وابسته وجود دارد. شکور و همکاران (۱۳۹۷) با بررسی نقش ساختار کالبدی بر شکل‌گیری همبستگی اجتماعی در محلات شهری (با بررسی موردی محله قصر دشت شیراز) دریافته‌اند که در محله‌هایی که مناسبات اجتماعی در طول سالیان به واسطه روابط چهره به چهره میان ساکنان شکل گرفته است، درجه بالاتری از اعتماد، امنیت، کنش متقابل، همبستگی و انسجام اجتماعی وجود دارد. توحیدیان و همکاران (۱۳۹۷) با

بررسی عوامل تهدیدکننده همبستگی اجتماعی در سطح محلات شهر تهران، دریافته‌اند که قوم‌گرایی، توسعه نابرابر، آگاهی از حقوق شهروندی، احساس تبعیض، اجحاف و بی‌عدالتی، ابزارها و رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی، بر همبستگی اجتماعی تأثیر معناداری وجود دارند.

حاتمی و ذاکر حقیقی (۱۳۹۶) تأثیر کیفیت محیط شهری بر روابط اجتماعی استفاده‌کنندگان از فضا در پیاده راه بوعلی سینای شهر همدان را مورد بررسی قرار داده و دریافته‌اند که بین کیفیت محیطی و روابط اجتماعی استفاده‌کنندگان از فضا ارتباط بالایی وجود دارد و دو متغیر سرزندگی و کیفیت عرصه‌های همگانی در کیفیت محیطی بیشترین تأثیر را بر سطح روابط اجتماعی در پیاده راه بوعلی سینا دارند. سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۶) دریافته‌اند که مصرف‌گرایی با تغییر روابط اجتماعی ساکنین روستاهای دهستان رادکن شهرستان چناران سبب شده که وضعیت روابط اجتماعی در روستاهای نمونه در وضعیت مناسبی قرار گیرد. به‌گونه‌ای که در روستاهای با سطح مصرف‌گرایی بالاتر، سطح روابط اجتماعی بین روستاییان و خانوارها کاهش یافته است. خباز و همکاران (۱۳۹۵) با بررسی تأثیر اینترنت بر روابط اجتماعی نمونه‌ای ۵۰۰ نفره از دانش‌آموزان دبیرستانی و دانشجویان شهرستان بیرجند دریافته‌اند که میزان و نوع استفاده از اینترنت می‌تواند متغیرهای ارتباط اجتماعی (ارتباط دوستی، ارتباط درون خانوادگی، ارتباط مجازی با جنس مخالف) و باورها و رفتارهای مذهبی را پیش‌بینی کند.

حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی اثرات مسائل اجتماعی و اقتصادی را بر انسجام اجتماعی عشایر ایل شاهسون دامنه‌های کوه سیلان مورد بررسی قرار داده و دریافته‌اند که بین میزان انسجام اجتماعی با میزان درآمد سالانه از دامداری و سابقه بهره‌برداران رابطه مستقیم معنی‌دار و با تعداد دام رابطه عکس معنی‌داری وجود دارد. پارسا مهر و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه خود تأثیر ورزش در انسجام اجتماعی مردم شهر تالش را نتیجه گرفته‌اند.

فرهمند و همکاران (۱۳۹۴) با بررسی تطبیقی انسجام اجتماعی بین دو قومیت آذری و کرد شهرهای سنندج و تبریز، دریافته‌اند که عدالت اجتماعی، وسایل ارتباط جمعی، تحصیلات، شغل، درآمد و سن رابطه معنادار با انسجام اجتماعی دارند. همچنین متغیرهای عدالت اجتماعی، رسانه خارجی، رسانه داخلی و سن توانسته‌اند ۲۲ درصد از تغییرات متغیر میزان انسجام اجتماعی بین دو قوم را تبیین کنند. اعلایی و بشیری گیوی (۱۳۹۴) در مطالعه خود با بررسی جامعه‌شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر همبستگی اجتماعی با مطالعه موردی دانشجویان پیام نور مرکز اردبیل نشان داده‌اند که میزان استفاده کاربران از شبکه‌های اجتماعی بر همبستگی اجتماعی دانشجویان تأثیر معنی‌دار دارد.

عباسی شوازی و همایون (۱۳۹۳) با بررسی رابطه استفاده از تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و انزوای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز نشان داده‌اند که تکنولوژی‌های نوین ارتباطی نه تنها منجر به کاهش روابط اجتماعی و انزوای افراد نشده‌اند، بلکه مکمل آن‌ها بوده و آن‌ها را تقویت نیز می‌کنند. رستگار خالد و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه خود با بررسی موردی مناطق ۶، ۱۰ و ۱۷ شهر تهران دریافته‌اند که هرچه درک و احساس جوانان از سطح محرومیت خود در مقایسه با دیگران بیشتر باشد، اندازه همبستگی در جامعه کاهش می‌یابد.

بابایی فرد (۱۳۹۲) دریافت که بین نقش‌های کاری و نقش‌های سنتی خانه‌داری، همسرداری، و فرزندداری و همچنین روابط اجتماعی تعارض وجود دارد و رابطه میان آن‌ها معنادار و مستقیم است. مهدی‌زاده و خیلا (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای ضمن بررسی تأثیر تلفن همراه بر روابط اجتماعی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی دریافته‌اند که بین الگوی مصرف تلفن همراه و میزان روابط اجتماعی، ارتباط معناداری وجود است.

غلامی و حیاتی (۱۳۹۲) در مطالعه خود تأثیر هویت کالبدی بر انسجام اجتماعی را در محله اوین شهر تهران مورد بررسی قرار داده و کاهش هویت کالبدی در محله اوین و متعاقباً گسستگی و سردی روابط اجتماعی و انسجام محله‌ای را در محیط محله نتیجه گرفته‌اند.

رضوانی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق خود دریافته‌اند که شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی روستاییان شاغل در ناحیه صنعتی سلیمان‌آباد تنکابن، پس از ایجاد ناحیه صنعتی بهبود یافته بوده و آثار مثبتی در زمینه‌های بیمه اجتماعی، اشتغال و درآمد، مشارکت، توسعه مسکن، تغذیه و رفاه اجتماعی حاصل شده است. طاهرخانی (۱۳۸۰) نیز ضمن بررسی نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی استان مرکزی، نشان داده است که احداث نواحی صنعتی باعث بهبود مشارکت‌های روستایی شده است.

در بخش پیشینه خارجی نیز می‌توان به مطالعاتی اشاره داشت که تأثیر صنعتی شدن و نمودهای صنعتی را بر روابط اجتماعی بررسی نموده‌اند. به‌عنوان مثال، رانی^۱ (۲۰۱۹) با بررسی تأثیر اعتیاد به اینترنت بر روابط اجتماعی افراد در هند دریافته است اعتیاد به اینترنت روابط اجتماعی افراد را به طور منفی تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. کریستنسن^۲ (۲۰۱۸) با بررسی تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر روابط اجتماعی افراد در نمونه‌ای ۶۲۷ نفری در کشور استرالیا، نشان داده است که هر اندازه افراد زمان بیشتری را در رسانه اجتماعی صرف نمایند، هیجانات منفی بیشتری

1- Rani

2- Christensen

را تجربه نموده و کیفیت روابطشان کاهش می‌یابد. ورینز و ون اینگن^۱ (۲۰۱۷) با بررسی نمونه ۵۳۱۲ نفری از جمعیت واقع در طیف سنی ۱۵ تا ۴۵ سال در کشور هلند دریافته‌اند که استفاده از اینترنت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رابط شبکه‌ای بین افراد دارد. آن‌ها همچنین دریافته‌اند که افرادی که به تناوب و تکرار از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند پویاتر از افرادی هستند که استفاده مکرر از رسانه‌ها ندارند. بلوک و کولون^۲ (۲۰۱۷) در مطالعه خود بر نقش معنی‌دار فناوری بر روابط و تعاملات انسانی تأکید نموده‌اند. میگل، گرتلر و لوین^۳ (۲۰۰۶) رابطه بین صنعتی شدن و شبکه‌های و روابط اجتماعی را در کشور اندونزی طی دوره زمانی ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۷ با استفاده از داده‌های سطح ملی و کلان مورد بررسی قرار داده و دریافته است نواحی و مناطقی که از رشد سریع‌تر صنعتی برخوردار بوده‌اند، افزایش قابل‌توجهی را در معیارها و شاخص‌های تعاملات و روابط اجتماعی تجربه نموده‌اند.

وجه تمایز مقاله حاضر با مطالعات پیشین در آن است که در این پژوهش تأثیر صنعتی شدن از طریق سازوکار تخصصی شدن و تقسیم کار بر روابط اجتماعی مد نظر قرار گرفته است. علاوه بر این در این مطالعه تلاش شده است تا روابط اجتماعی مبتنی بر ایده دورکیم صورت‌بندی گردد و تأثیرات صنعتی شدن و تخصص شدن به طور جداگانه بر هر دو دسته از روابط مکانیکی و روابط ارگانیکی مورد بررسی قرار گیرد.

روش تحقیق

این تحقیق از نظر موضوعی بر بررسی تأثیر صنعتی شدن بر روابط اجتماعی با تأکید بر تقسیم کار و تخصصی شدن تمرکز دارد. در این راستا از داده‌ها و اطلاعات برش استانی استان‌های کشور طی دو مقطع زمانی سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۳ بهره گرفته است. علت انتخاب این دو مقطع زمانی آن است که صرفاً برای این دو سال امکان دسترسی به شاخص روابط اجتماعی خویشاوندی و غیرخویشاوندی (که در طرح ملی سنجش سرمایه اجتماعی کشور در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۳ منعکس شده است) به تفکیک برای تمامی استان‌ها میسر است. لازم به ذکر است که نحوه ساخت این دو شاخص در بخش تعریف عملیاتی متغیرها مورد اشاره قرار گرفته است.

تصریح مدل

مدل مورد استفاده به منظور بررسی تأثیر صنعتی شدن بر روابط اجتماعی از طریق سازوکار تخصصی شدن و تقسیم کار اجتماعی، مبتنی بر دو دسته از اطلاعات طراحی شده است. ۱- مبانی

1- Vriens & van Ingen

2- Bullock & Colvin

3- Miguel, Gertler and Levine

نظری (دورکیم، ۱۸۹۳) مطرح شده در خصوص اثرگذاری صنعتی شدن بر تقسیم کار اجتماعی و روابط اجتماعی، ۲- ادبیات ذکر شده در پیشینه تحقیق (محمدیان و دریا گوهر، ۱۳۹۷، حاتمی و ذاکر حقیقی، ۱۳۹۶، خباز و همکاران، ۱۳۹۵، عباسی شوازی و همایون، ۱۳۹۳، بابایی فرد، ۱۳۹۲ و مهدی‌زاده و خیلا، ۱۳۹۲) در خصوص عوامل متعدد اثرگذار بر روابط اجتماعی. فرم کلی مدل به صورت رابطه (۱) در نظر گرفته شده است.

$$SR \cong f(ID, SP, ID * SP, UP, EP, CT) \quad (1)$$

بر اساس رابطه (۱) شدت و چگونگی روابط اجتماعی (SR) تابعی از شدت صنعتی شدن (ID)، میزان شهرنشینی (UP)، مشارکت اقتصادی (EP)، فناوری‌های ارتباطی (CT) و تخصصی شدن اقتصادی (SP) در نظر گرفته شده است. همچنین برای نشان دادن تأثیر صنعتی شدن از طریق سازوکار تخصصی شدن از متغیر تعاملی و حاصل ضربی (ID*SP) استفاده شده است. به عبارت دیگر، فرض بر این است که صنعتی شدن میزان تخصصی شدن و تقسیم کار را تحت تأثیر قرار داده و از طریق آن بر ساختار روابط اجتماعی اثر می‌گذارد.

با توجه به اینکه داده‌ها دارای بعد مکانی می‌باشند و بر این اساس نوع و سطح روابط اجتماعی در یک استان ممکن است علاوه بر متغیرهای فوق تحت تأثیر سطح و نوع روابط در استان‌های هم‌جوار قرار گیرد، اقتصادسنجی فضایی و مدل‌های فضایی می‌توانند تبیین مناسب‌تری نسبت به اقتصادسنجی متداول از رابطه بین متغیرهای مدل ارائه نمایند. اقتصادسنجی فضایی برای نخستین بار توسط انسلین^۱ (۱۹۸۸) مطرح شد. مبتنی بر منطق اقتصادسنجی فضایی، در داده‌های مکانی و منطقه‌ای با دو مشکل وابستگی فضایی^۲ و ناهمسانی فضایی^۳ مواجه می‌شویم. همان‌گونه که لسیج^۴ (۱۹۹۹) مطرح می‌کند، وابستگی فضایی یعنی اینکه داده‌های نمونه‌ای مشاهده شده در یک مکان به مقادیر مشاهده شده در مکان‌های دیگر وابسته است. ناهمسانی فضایی نیز اشاره به انحراف در روابط بین مشاهدات در سطح مکان‌های جغرافیایی دارد. با عنایت به موارد فوق، رابطه (۱) را می‌توان در چارچوب مدل فضایی به صورت زیر صورت‌بندی نمود.

$$SR \cong \delta i_N . \varepsilon_1 ID . \varepsilon_2 SP . \varepsilon_3 ID * SP . \varepsilon_4 UP . \varepsilon_5 EP . \varepsilon_6 CT . \nu WSR \quad (2)$$

$$. \tau_1 WID . \tau_2 WSP . \tau_3 WID * SP . \tau_4 WUP . \tau_5 WEP . \tau_6 WCT . U$$

$$U \cong \tau_1 WU . \eta$$

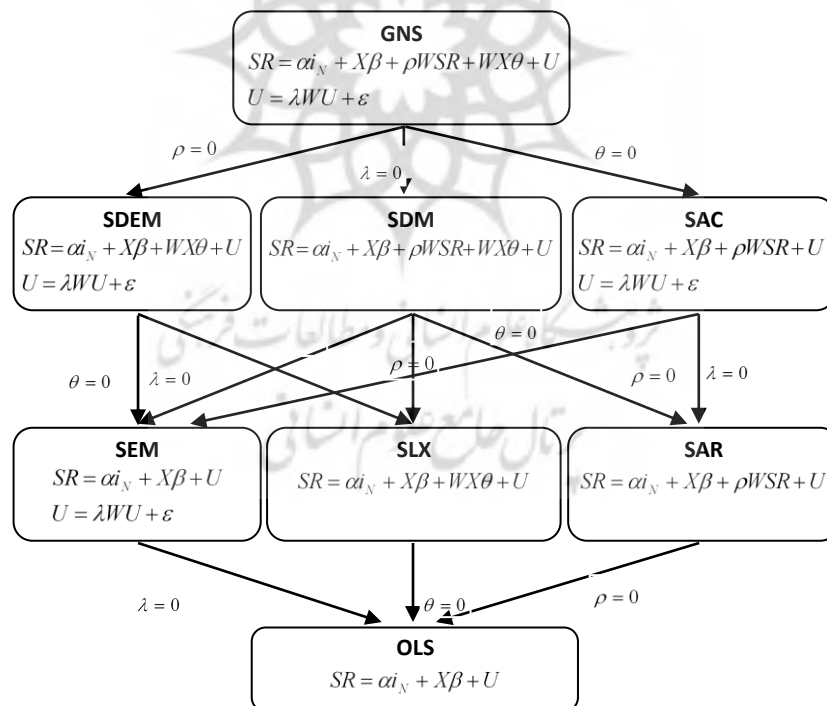
1- Anselin
2- Spatial dependence
3- Spatial heterogeneity
4- Lesage

در رابطه فوق، WSR اثر درون‌زای متغیر وابسته (روابط اجتماعی) و WID ، WSP ، $WID*SP$ ، WUP ، WEP ، WCT اثر برون‌زای متغیرهای مستقل استان‌های مختلف را منعکس می‌سازد. اثرات جزء خطای استان‌های مختلف، W ماتریس وابستگی فضایی، v ضریب خودهمبستگی فضایی و τ_i ها نیز ضرایب متغیرهای مستقل فضایی را نشان می‌دهد. در صورتی که به منظور ساده‌سازی، متغیرهای مستقل را در قالب بردار X نشان دهیم، رابطه (۲) را می‌توان به طور خلاصه‌تر و به صورت زیر بازنویسی نمود.

$$SR \equiv \delta i_N \cdot X\beta \cdot vWSR \cdot \tau WX \cdot U \quad (3)$$

$$U \equiv oWU \cdot \eta$$

رابطه (۳) فرم کلی و عمومی رگرسیون فضایی را نشان می‌دهد. این فرم عمومی مبتنی بر کار وگا و الهورست^۱ (۲۰۱۳) و با توجه فروض حاکم بر ضرایب v ، τ و o حالت‌های مختلفی از رگرسیون فضایی را ایجاد می‌نماید که در شکل (۲) نشان داده شده است.



شکل شماره ۲: حالت‌های مختلف مدل اقتصادسنجی فضایی برای تبیین روابط اجتماعی (با اقتباس از وگا و الهورست، ۲۰۱۳)

زمانی که هر سه ضریب v ، τ و o غیر صفر باشند با مدل فضایی تودرتو یا متداخل عمومی (GNS)^۱ مواجهیم که نشان‌دهنده پیچیده‌ترین حالت است. مدل خود توضیح خطای فضایی (SAC)^۲، مدل دوربین فضایی (SDM)^۳، مدل دوربین خطای فضایی (SDEM)^۴، مدل وقفه فضایی متغیر وابسته (SAR)^۵، مدل وقفه فضایی متغیرهای مستقل (SLX)^۶ و مدل خطای فضایی (SEM)^۷ نیز حالت‌های دیگری از مدل اقتصادسنجی فضایی هستند. در این تحقیق برای اطمینان از لزوم استفاده از اقتصادسنجی فضایی از آزمون موران^۸ و آزمون والد^۹ استفاده شده است. همچنین از آزمون نسبت درست‌نمایی^{۱۰} (LR) برای انتخاب حالت مناسب مدل فضایی بهره گرفته شده است. برای تخمین معادلات نیز از روش حداکثر درست‌نمایی^{۱۱} (ML) بهره گرفته شده است.

تعریف عملیاتی متغیرها و منابع گردآوری داده‌ها

صنعتی شدن (ID): مبتنی بر روش سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (UNIDO)^{۱۲} در گزارش توسعه صنعتی (۲۰۱۷)، برای سنجش شدت صنعتی شدن از سهم ارزش‌افزوده صنعتی (MVA) در تولید ناخالص داخلی (GDP) هر استان استفاده شده است.

$$ID \cong \frac{MVA}{GDP}$$

داده‌های مورد استفاده برای محاسبه این شاخص از سالنامه آماری استان‌های مختلف برای سال‌های مورد بررسی و به تفکیک استان‌های کشور استخراج شده است.

تخصصی شدن و تقسیم کار (SP): مبتنی بر مطالعه وین هولد و راج^{۱۳} (۱۹۹۷) برای محاسبه شاخص تخصصی شدن از شاخص هرfindal^{۱۴} استفاده شده است. این شاخص از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود.

- 1- General Nesting Spatial Model
- 2- Spatially Autocorrelated Error Term
- 3- Spatial Durbin Model
- 4- Spatial Durbin Error Model
- 5- Spatial Lag Model
- 6- Spatial Lag of X
- 7- Spatial Error Model
- 8- Moran
- 9- Wald
- 10- Likelihood Ratio
- 11- Maximum Likelihood
- 12- United Nations Industrial Development Organization
- 13- Weinhold and Rauch
- 14- Herfindal Specialization Indices

$$SP_{it} \cong \left| \left\{ \frac{v_{it}}{V_t} \right\}_{i=1}^t \right|^2$$

v_{it} ارزش افزوده صنعت i را در زمان t و V_t کل ارزش افزوده بخش صنعت را در زمان t نشان می‌دهد. شاخص فوق ارزشی بین صفر و یک اختیار می‌کنند که هر اندازه ارزش شاخص‌ها به یک نزدیک‌تر باشد حاکی از میزان بالاتر تخصصی شدن است.

شهرنشینی (UR): این شاخص از تقسیم جمعیت ساکن در مناطق شهری ($UPOP$) به کل جمعیت ($TPOP$) به دست می‌آید.

$$UR \cong \frac{UPOP}{TPOP}$$

داده‌های موردنیاز برای محاسبه این شاخص از اطلاعات منتشرشده توسط دفتر آمارهای اجتماعی و اقتصادی خانوار مرکز آمار ایران در قالب «تازه‌های آمار» برای سال‌های موردبررسی و به تفکیک استان‌های کشور استخراج شده است.

مشارکت اقتصادی (EP): برای در نظر گرفتن تأثیر این متغیر از نرخ مشارکت اقتصادی که به صورت نسبت جمعیت فعال به جمعیت در سن کار تعریف می‌شود، استفاده شده است.

فناوری‌های ارتباطی (CT): برای در نظر گرفتن تأثیر این عامل از میانگین ضریب نفوذ تلفن ثابت و تلفن همراه در هر استان استفاده شده است.

روابط اجتماعی ارگانیکی (OSR): برای محاسبه روابط اجتماعی ارگانیکی از میانگین شاخص شعاع روابط و تعامل با غیر همشهری‌ها که به تفکیک برای تمامی استان‌ها در گزارش سنجش سرمایه اجتماعی کشور (سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۳) منتشر شده، استفاده شده است. در هر دو طرح برای محاسبه این شاخص از معیار "میزان تعامل با غیر همشهری‌ها و غریبه‌ها" استفاده شده است. میزان تعامل در طیف خیلی کم (۰)، کم (۱۰)، متوسط (۲۰)، زیاد (۳۰) و خیلی زیاد (۴۰) از طریق نظرسنجی از پاسخگویان مورد ارزیابی و امتیازبندی قرار گرفته و با محاسبه میانگین امتیازات حاصله شاخص شعاع روابط با غیر همشهری‌ها به دست آمده است.

ج) روابط اجتماعی مکانیکی (MSR): برای محاسبه روابط اجتماعی مکانیکی از میانگین شاخص شعاع روابط و تعامل با خانواده و آشنایان که به تفکیک برای تمامی استان‌ها در گزارش سنجش سرمایه اجتماعی کشور (سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۳) منتشر شده، استفاده شده است. در هر دو طرح برای محاسبه این شاخص از معیار "میزان تعامل با خانواده، آشنایان و دوستان" استفاده

شده است. میزان تعامل در طیف خیلی کم (۰)، کم (۱۰)، متوسط (۲۰)، زیاد (۳۰) و خیلی زیاد (۴۰) از طریق نظرسنجی از پاسخگویان مورد ارزیابی و امتیازبندی قرار گرفته و با محاسبه میانگین امتیازات حاصله شاخص شعاع روابط با آشنایان به دست آمده است.

یافته‌ها

به منظور آزمون ارتباط صنعتی شدن، تقسیم کار و روابط اجتماعی، مدل (۲) با استفاده از داده‌های ۳۰ استان کشور (به غیر از استان البرز که داده‌های سال ۱۳۸۳ برای آن موجود نیست) طی دو مقطع زمانی (سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۳) و با رویکرد رگرسیون داده‌های ترکیبی برآورد گشته است. لازم به ذکر است که به منظور بررسی تفکیکی تأثیر صنعتی شدن و تقسیم کار بر روابط اجتماعی مدل (۲) در دو حالت برآورد شده است. در حالت اول روابط میان گروهی یا ارگانیکی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است و در حالت دوم روابط درون گروهی و یا روابط مکانیکی به عنوان متغیر وابسته مد نظر قرار گرفته‌اند. با توجه به ترکیبی بودن داده‌ها، به منظور انتخاب میان اثرات ثابت و اثرات تصادفی، از آزمون هاسمن^۱ استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۱) منعکس شده است.

جدول شماره ۱: آزمون هاسمن برای انتخاب اثرات تصادفی/ثابت

حالت‌ها	حالت اول (متغیر وابسته: روابط ارگانیکی)	حالت دوم (متغیر وابسته: روابط مکانیکی)
آماره	۸/۶۸	۳۱/۸۱***
سطح معنی‌داری	۰/۷۹۶	۰/۰۰۲

*** معنی‌دار در سطح ۱ درصد

بر اساس نتیجه این آزمون مقدار آماره آزمون هاسمن در حالت اول از نظر آماری معنی‌دار نبوده و فرض صفر مبنی بر استقلال جملات خطا از متغیرهای مستقل رد نمی‌شود و از این رو برای این حالت مدل اثرات تصادفی انتخاب می‌شود. اما در حالت دوم که روابط مکانیکی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است، با عنایت به عدم معنی‌داری آماره آزمون، اثرات ثابت انتخاب می‌شود. همچنین به منظور آزمون وجود همبستگی فضایی، مقادیر آماره آزمون‌های موران و والد مورد محاسبه قرار گرفته است که نتایج آن در جدول (۲) ارائه شده است.

1- Hausman Test

جدول شماره ۲: آزمون موران و والد برای بررسی وابستگی فضایی

آزمون	حالت‌ها	حالت اول	حالت دوم
		(متغیر وابسته: روابط ارگانیکی)	(متغیر وابسته: روابط مکانیکی)
موران	آماره	۳/۲۰۵***	۳/۴۱۲***
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۱
والد	آماره	۴/۳۳۶***	۴/۵۴۴***
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۲۴	۰/۰۰۱۸

*** معنی‌دار در سطح ۱ درصد

با توجه به اینکه هر دو آماره آزمون موران و والد از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار هستند، فرض صفر مبنی بر عدم وجود همبستگی فضایی رد شده و لذا لازم است از مدل‌های فضایی برای تبیین تغییرات متغیر وابسته یعنی روابط اجتماعی استفاده گردد. به منظور انتخاب از بین حالت‌های مختلف مدل فضایی، از آزمون نسبت درست‌نمایی (LR) استفاده شده و آماره این آزمون به همراه سطح معنی‌داری آن، در جدول (۳) منعکس شده است.

جدول شماره ۳: آزمون نسبت درست‌نمایی برای انتخاب مدل مناسب فضایی

فرض H_0	حالت‌ها	حالت اول	حالت دوم
		(متغیر وابسته: روابط ارگانیکی)	(متغیر وابسته: روابط مکانیکی)
$\tau \equiv 0$	آماره	۲۳/۰۵***	۲۰/۴۴***
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۲۳
$\tau \equiv 0 \text{ و } \mathcal{E}$	آماره	۲۲/۷۱***	۱۲/۷۵**
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰۹	۰/۰۴۷

*** معنی‌دار در سطح ۱ درصد
** معنی‌دار در سطح ۵ درصد

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود آماره نسبت درست‌نمایی در هر دو حالت و برای هر دو مدل وقفه فضایی و خطای فضایی از نظر آماری معنی‌دار است. به عبارت دیگر، با توجه به سطح معنی‌داری، هم فرض صفر دال بر $\tau \equiv 0$ و هم فرض صفر مبنی بر $\tau \equiv 0 \text{ و } \mathcal{E}$ رد می‌شود. در نتیجه مدل وقفه فضایی متغیر وابسته (SAR) و مدل خطای فضایی (SEM) به نفع مدل دوربین فضایی (SDM) رد می‌شود. این بدان معنی است که تغییرات متغیر وابسته روابط اجتماعی نه تنها تحت تأثیر سطح روابط اجتماعی سایر استان‌ها قرار می‌گیرد بلکه از سطح متغیرهای مستقل سایر استان‌ها نیز متأثر می‌گردد. برای بررسی دقیق‌تر این موضوع، مدل به روش دوربین فضایی تخمین زده شده که نتیجه آن در جدول (۴) منعکس شده است.

جدول شماره ۴: نتایج تخمین مدل

متغیرها	نماد	حالت اول		حالت دوم	
		ضرایب	آماره t	ضرایب	آماره t
C	ε_0	۹/۷۸۸۴	۴/۴۹*	-----	-----
ID	ε_1	۰/۰۲۴۶	۳/۱۲*	-۰/۱۱۲۳	-۲/۷۰*
SP	ε_2	۰/۰۴۶۵	۱/۹۳**	-۰/۶۹۴۵	-۲/۱۸*
ID*SP	ε_3	۰/۰۰۱۳	۲/۱۴*	-۰/۰۰۳۱	-۲/۳۸*
UP	ε_4	۰/۱۱۶۱	۳/۸۳*	-۰/۱۱۳۳	-۲/۸۹*
EP	ε_5	۰/۰۰۵۲	۲/۷۷*	-۰/۰۰۴۸	-۰/۸۵
CT	ε_6	۰/۰۱۹۴	۳/۱۴*	-۰/۸۰۴۳	-۰/۲۵
WID	τ_1	۰/۵۸۲۶	۲/۵۱*	-۱/۶۲۳۰	-۱/۹۵**
WSP	τ_2	۰/۴۹۵۸	۰/۵۵	-۰/۰۰۴۷	-۰/۰۱
W(ID*SP)	τ_3	-۰/۰۰۴۸	-۰/۸۲۵	-۰/۰۱۱۶	-۰/۵۵
WUP	τ_4	۱/۰۵۷۷	۲/۷۳*	-۰/۲۵۳۲	-۲/۶۶*
WEP	τ_5	-۰/۰۱۰۹	-۱/۵۰	-۰/۰۰۱۹	-۰/۲۸
WCT	τ_6	۰/۷۱۲۳	۳/۰۲*	-۰/۸۰۴۳	-۳/۲۵*
WSR	ν	۰/۲۸۶۱	۲/۸۳*	۰/۸۰۷۵	۱۰/۸۸*
R^2			۰/۱۵		۰/۶۷

* معنی‌دار در سطح ۱٪ ** معنی‌دار در سطح ۵٪

بر اساس آماره R^2 ، ۶۷ درصد از تغییرات روابط اجتماعی مکانیکی و ۷۱ درصد از روابط اجتماعی ارگانیکی توسط متغیرهای ملحوظ در مدل‌ها قابل توضیح است. به عبارت دیگر قدرت توضیح دهنده مدل در هر دو حالت مناسب است. ملاحظه ضرایب متغیرهای مستقل اثرگذار (صنعتی شدن، تقسیم کار، شهرنشینی، سطح مشارکت اقتصادی و فناوری‌های ارتباطی) بر روابط اجتماعی ارگانیکی (مدل حالت اول) و مکانیکی (مدل حالت دوم) غالباً از نظر آماری معنی‌دار و علامت آن‌ها مطابق با انتظارات تئوریک برآورد شده است. در بخش بعد متناسب با یافته‌های مذکور چگونگی اثرگذاری صنعتی شدن و تقسیم کار بر نوع و ساختار روابط اجتماعی در ایران مورد بحث قرار گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

متناسب با مبانی نظری اقتباس‌شده از دورکیم در خصوص تقسیم کار اجتماعی و تحولات آن، در این پژوهش به لحاظ تئوری استدلال شده است که صنعتی شدن و توسعه فعالیت‌های صنعتی می‌تواند منجر به تقویت تخصصی شدن و تقسیم کار اجتماعی در جامعه گشته و از این رهگذر زمینه تحول در ساختار روابط اجتماعی فراهم می‌گردد. توضیح اینکه صنعتی شدن و تقویت تقسیم کار اجتماعی، باعث تقویت همبستگی اجتماعی ارگانیکی و درعین حال تضعیف همبستگی اجتماعی مکانیکی گشته و ساختار و الگوی روابط و کنش‌های اجتماعی را متأثر می‌نماید. به عبارت دیگر در چنین شرایطی نظم جدیدی بر روابط اجتماعی حاکم می‌گردد که در پرتو آن مناسبات و روابط اجتماعی بیشتر از طریق نیروها و عوامل رسمی، قانونی و ساختاریافته هدایت می‌شوند تا عوامل و هنجارهای غیررسمی و سنتی.

مرور پیشینه موضوع نشان داد که ساختار و الگوی روابط اجتماعی در کشور عمدتاً از طریق متغیرهایی چون ظهور و پیشرفت فناوری‌های ارتباطات، گسترش شهرنشینی، توسعه فعالیت‌ها و کسب‌وکارهای صنعتی، توان و مشارکت اقتصادی افراد جامعه تحت تأثیر قرار گرفته است. در این مقاله این ایده مورد بحث و آزمون قرار گرفته است که آیا در ایران، همراه با توسعه فعالیت‌های صنعتی که روابط سنتی و مبتنی بر ساختارهای غیررسمی را تضعیف می‌نماید، روابط جدید و مبتنی بر ساختارهای رسمی شکل می‌گیرد تا بتواند نظم جدیدی را در روابط اجتماعی حاکم سازد.

نتیجه برآورد چگونگی اثرگذاری صنعتی شدن و تخصصی شدن بر روابط اجتماعی ارگانیکی و مکانیکی که با استفاده از داده‌ها و شواهد آماری دو مقطع زمانی سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۳ در ۳۰ استان کشور با رویکرد اقتصادسنجی فضایی انجام یافته و در جدول (۴) منعکس شده است حاکی از آن است که ضریب متغیر صنعتی شدن در معادله مربوط به روابط اجتماعی ارگانیکی مثبت و از نظر آماری معنی‌دار است. این ضریب میزان تأثیر مستقیم صنعتی شدن را بر روابط اجتماعی ارگانیکی نشان می‌دهد و مبین آن است که افزایش درجه صنعتی شدن در استان‌های کشور بر روابط اجتماعی غیر خویشاوندی و یا ارگانیکی تأثیر مثبت از خود برجای گذاشته است. به عبارت دیگر به واسطه رشد و گسترش فعالیت‌های صنعتی، روابط اجتماعی ساختاریافته مبتنی بر قواعد رسمی اجتماعی تقویت شده است. این یافته ضمن انطباق با انتظارات نظری با یافته‌های حاصل از مطالعات رضوانی و همکاران (۱۳۸۹)، طاهرخانی (۱۳۸۰) و میگول، گرترلر و لوین (۲۰۰۶) نیز همسو و هم‌راستاست. درحالی‌که این ضریب در معادله مربوط به روابط اجتماعی

مکانیکی منفی برآورد شده است و حاکی از آن است که به واسطه صنعتی‌تر شدن جامعه، از شدت روابط سنتی کاسته شده است. نکته اساسی آن است که شدت تأثیر منفی صنعتی شدن بر روابط اجتماعی سنتی قوی‌تر از شدن تأثیر مثبت صنعتی شدن بر روابط اجتماعی ارگانیکی و ساختاریافته است. لذا این‌گونه قابل استنباط است که برآیند این دو منجر به تضعیف کلی ساختار و روابط اجتماعی در کشور طی دو مقطع زمانی مورد مطالعه در این تحقیق شده است.

مثبت و معنی‌دار بودن ضریب متغیر تخصصی شدن و تقسیم کار اجتماعی در معادله مربوط به روابط اجتماعی ارگانیکی نیز نشان می‌دهد که همراه با افزایش تخصصی شدن و تقسیم کار اجتماعی، روابط ارگانیکی تقویت شده است. اما همانند، صنعتی شدن، ضریب متغیر تقسیم کار اجتماعی در معادله روابط مکانیکی منفی و از نظر آماری معنی‌دار برآورد شده است که حاکی از تأثیر منفی تقسیم کار اجتماعی بر روابط اجتماعی مکانیکی است. به‌طورکلی ضریب متغیر تخصصی شدن در هر دو معادله با نظر دورکیم در خصوص تأثیر مثبت تقسیم کار اجتماعی بر روابط اجتماعی ارگانیکی و تأثیر منفی آن بر روابط اجتماعی مکانیکی سازگاری نشان می‌دهد.

ضریب متغیر حاصل‌ضربی صنعتی شدن و تقسیم کار اجتماعی، $\log(ID * SP)$ ، که تأثیر متقابل و یا تعاملی صنعتی شدن و تقسیم کار اجتماعی را بر روابط اجتماعی نشان می‌دهد، در معادله روابط اجتماعی ارگانیکی مقدار مثبت و معنی‌دار را در برآورد مدل به خود گرفته است. در واقع ضریب این متغیر حاصل‌ضربی، تأثیر غیرمستقیم صنعتی شدن را بر روابط اجتماعی ارگانیکی از طریق سازوکار تقسیم کار اجتماعی نشان می‌دهد و به این معنی است که صنعتی شدن و توسعه فعالیت‌های صنعتی قادر است از طریق تقویت تقسیم کار اجتماعی، سطح روابط اجتماعی ارگانیکی را بهبود بخشد. در معادله روابط مکانیکی، ضریب متغیر حاصل‌ضربی صنعتی شدن و تقسیم کار اجتماعی متناسب با انتظارات تئوریک منفی برآورد شده است. اما با توجه به بیشتر بودن قدر مطلق آن از قدر مطلق ضریب این متغیر در معادله روابط اجتماعی ارگانیکی، استنباط می‌شود که تأثیر مثبت این متغیر بر روابط اجتماعی ارگانیکی کمتر از تأثیر مثبت آن بر روابط ارگانیکی بوده است.

ضریب متغیر شدت شهرنشینی در معادله روابط اجتماعی ارگانیکی مثبت (حالت اول) و در معادله روابط اجتماعی مکانیکی (حالت دوم) منفی و از نظر آماری معنی‌دار برآورد شده است. به عبارت دیگر با افزایش شهرنشینی در کشور طی دو مقطع زمانی مورد مطالعه در این تحقیق، بر شدت روابط غیر خویشاوندی و ارگانیکی افزوده شده است درحالی‌که روابط مکانیکی به طور منفی تحت تأثیر قرار گرفته و سطح روابط سنتی و خویشاوندی تضعیف شده است. البته این نتیجه تا اندازه زیادی با واقعیت‌های حاکم بر کشور همخوانی دارد.

یکی دیگر از متغیرهایی که بر روابط اجتماعی ارگانیک تأثیر مثبت معنی‌داری داشته است، سطح مشارکت اقتصادی افراد جامعه است. بر اساس ضرایب مدل برآورد شده، متغیر مشارکت اقتصادی نیز تأثیری معنی‌داری بر ساختار روابط اجتماعی بر جای گذاشته است. به عبارت دیگر، ضریب متغیر مشارکت اقتصادی در معادله روابط اجتماعی ارگانیک مثبت معنی‌دار حاصل شده است اما در معادله روابط اجتماعی مکانیکی ضریب این متغیر از نظر آماری معنی‌دار نیست. بر اساس این نتیجه، می‌توان گفت که افزایش مشارکت اقتصادی به‌طور کلی منجر به بهبود روابط اجتماعی گشته است.

ضریب متغیر فناوری‌های ارتباطی نیز در معادله روابط اجتماعی ارگانیک مثبت و درعین حال از نظر آماری معنی‌دار به دست آمده است. این امر متناسب با انتظارات تئوریک بوده و حاکی از آن است که توسعه و گسترش فناوری‌های ارتباطی از جمله تلفن ثابت و تلفن همراه در کشور، سطح تعاملات و روابط ارگانیک و غیر خویشاوندی را در کشور توسعه داده است. این یافته تا اندازه قابل توجهی هم‌راستا و همسو با نتایجی است که در مطالعات خباز و همکاران (۱۳۹۵)، مهدی‌زاده و خیلا (۱۳۹۲) اعلائی و بشیری گیوی (۱۳۹۴)، عباسی شوازی و همایون (۱۳۹۳)، کریستنسن (۲۰۱۸)، ورینز و ون اینگن (۲۰۱۷)، بلوک و کولوبین (۲۰۱۷) و رانی (۲۰۱۹) در ارتباط با تأثیر معنی‌دار فناوری‌های ارتباطی بر روابط اجتماعی حاصل شده است.

معنی‌دار بودن ضریب متغیر خودهمبستگی فضایی در مدل برآورد شده ذیل هر دو حالت، نشان می‌دهد که سطح و میزان روابط اجتماعی ارگانیک و مکانیکی در هر استان، تحت تأثیر روابط اجتماعی استان‌های مجاور قرار دارد. این امر نشان می‌دهد الگوی ایجاد ارتباط و روابط اجتماعی در یک منطقه یا استان، علاوه بر اینکه تحت تأثیر متغیرهای مستقلی از قبیل صنعتی شدن، تقسیم کار اجتماعی، فناوری‌های ارتباطی، شدت شهرنشینی، درآمد سرانه و نرخ مشارکت قرار دارد، از الگو و ساختار روابط اجتماعی حاکم بر استان‌های هم‌جوار نیز متأثر می‌شود. این امر به نوعی تأثیرات متقابل فرهنگ ارتباطی استان‌های مختلف بر روی یکدیگر را نشان می‌دهد.

با توجه به نوع مدل (SDM)، برخی از متغیرهای مستقل مربوط به استان‌های هم‌جوار نیز بر سطح و نوع روابط اجتماعی یک استان تأثیرگذار است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، سطح صنعتی شدن استان مجاور، تأثیر مثبت بر روابط اجتماعی ارگانیک و تأثیر منفی بر روابط اجتماعی مکانیکی در استان دیگر داشته است. شدت شهرنشینی و همچنین فناوری‌های ارتباطی در استان مجاور نیز تأثیر مشابهی همانند صنعتی شدن بر ساختار روابط اجتماعی در استان دیگر داشته است.

با جمع‌بندی بحث‌ها و تحلیل‌های فوق با تمرکز بر نحوه اثرگذاری صنعتی شدن و تقسیم کار بر روابط اجتماعی کشور، دو نکته محوری قابل استنباط است. نکته اول این است که توسعه

فعالیت‌های صنعتی و به تبع آن افزایش تخصصی شدن و تقسیم کار اجتماعی در کشور، تأثیر مثبتی بر روابط اجتماعی ارگانیکی دارد. این یافته با یافته‌های مطالعات رضوانی و همکاران (۱۳۸۹) و طاهرخانی (۱۳۸۰) همسوست. رضوانی و همکاران (۱۳۸۹) نیز در تحقیق خود دریافته‌اند که شاخص‌های اجتماعی روستاییان شاغل در ناحیه صنعتی سلیمان‌آباد تنکابن، پس از ایجاد ناحیه صنعتی بهبود یافته و آثار مثبتی در زمینه مشارکت حاصل شده است. همچنین طاهرخانی (۱۳۸۰) نیز نشان داده است که احداث نواحی صنعتی در مناطق روستایی استان مرکزی باعث بهبود مشارکت‌های روستایی شده است. اما بر خلاف تأثیر مثبت صنعتی شدن بر روابط ارگانیکی، روابط مکانیکی تحت تأثیر منفی این فرایند قرار گرفته و حاکی از آن است که در فرآیند صنعتی شدن روابط سنتی و غیررسمی تضعیف می‌شود. این امر نه تنها مطابق با انتظارات تئوریک است بلکه همسو با نتیجه برخی از مطالعات تجربی انجام‌یافته در کشور نیز هست. به عنوان نمونه مطالعه انجام‌یافته توسط فیروزآبادی و همکاران (۱۳۹۷) نیز نشان داده است که اجرای طرح پتروشیمی مهاباد منجر به کاهش انسجام اجتماعات محلی و همچنین افزایش واگرایی اجتماعی در منطقه شده است. مبتنی بر این یافته‌ها، فرضیه جانشینی روابط ارگانیکی به جای روابط مکانیکی در ایران در فرآیند صنعتی شدن قابل تأیید است.

اما نکته دوم که قابل تأمل‌تر است این است که تأثیر مثبت صنعتی شدن و تقسیم کار بر روابط اجتماعی ارگانیکی به اندازه‌ای نیست که تأثیر منفی آن را بر روابط اجتماعی مکانیکی خنثی نماید. به عبارت دیگر به آن نسبتی که ارزش‌ها، شناخت، رسوم و آداب سنتی کارکرد خود را در تنظیم روابط اجتماعی در عصر صنعتی شدن از دست داده‌اند، به همان نسبت یا بیشتر از آن، نهادها و ساختارهای رسمی‌تر تنظیم‌کننده روابط اجتماعی شکل نگرفته یا در صورت شکل‌گیری از کارکرد و نقش‌آفرینی لازم برخوردار نشده‌اند. به همین دلیل ساختار تنظیم‌کننده روابط اجتماعی در جامعه صنعتی‌تر امروز از توانمندی لازم برای هدایت مطلوب کنش‌ها، تعاملات و روابط اجتماعی برخوردار نیست. این امر حاکی از تضعیف همبستگی اجتماعی بوده و باعث بروز آثار و پیامدهای نامطلوبی در عرصه روابط اجتماعی می‌گردد و خود را در مسائلی چون ظهور ناهنجاری‌ها و بیماری‌های رفتاری و روانی و حتی در سطحی بالاتر، شکل‌گیری جرائم اجتماعی و اختلال در نظام روابط جمعی، تشدید خرده‌فرهنگ‌های گروه‌های اجتماعی ناهمگن، تغییر کارکرد روابط خانوادگی، کاهش احساس مسئولیت مشترک اجتماعی، رواج فرهنگ فردگرایانه منفی و موارد متعدد مشابه دیگر، می‌شود. متناسب با این یافته‌ها و به‌منظور پر کردن خلأ موجود در کارکرد نهادها و ساختارهای رسمی‌تر تنظیم‌کننده روابط اجتماعی در کشور، پیشنهادها کاربردی به شرح زیر قابل ارائه است:

- تأکید بر تعریف و اجرای پیوست‌های فرهنگی، اجتماعی و انسانی در طرح‌های صنعتی به منظور لحاظ نمودن مخاطرات مربوط به روابط انسانی و اجتماعی،
- بهبود و تقویت کارکرد نهادهای مدنی و اجتماعی مشارکت محور و سازمان‌های مردم‌نهاد در کشور از قبیل انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، کانون‌ها در فرآیند صنعتی شدن،
- بازسازی تعاملات انسانی، جلوگیری از تشدید تعارضات و فرسایش روابط انسانی در فرآیند صنعتی شدن و توجه به ابعاد انسانی و اجتماعی صنعتی شدن.
- توزیع عادلانه‌تر امکانات و زیرساخت‌های صنعتی در بین استان‌های مختلف به منظور تقویت احساس تعلق و همبستگی اجتماعی، خصوصاً در استان‌های کم برخوردار.



منابع

- آبرکرامی، نیکلاس و دیگران (۱۳۶۷)، *فرهنگ جامعه‌شناسی*، حسن پویان، تهران، چاپخس، چاپ اول.
- آرون، ریموند (۱۹۷۶) *مراحل اساسی سیراندیشه در جامعه‌شناسی*، باقر پرهام، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱، چاپ پنجم.
- اعلایی، محسن و بشیری گیوی، حسین (۱۳۹۴) بررسی جامعه‌شناختی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر همبستگی اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان پیام نور مرکز اردبیل در سال ۱۳۹۳)، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال هفتم شماره ۲: ۱۱۹-۱۰۷.
- بابایی فرد، اسداله (۱۳۹۲) سنجش تأثیرات اشتغال زنان بر خانواده و روابط اجتماعی (مطالعه موردی شهر آران و بیدگل)، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، سال ۱۳۹۲، شماره ۳: ۴۲۷-۴۵۱.
- پارسا مهر، مهربان، رسولی نژاد، سید پویا و نیک نژاد، محمدرضا (۱۳۹۵) پژوهشی در باب کارکرد ورزش در انسجام اجتماعی (مطالعه موردی: مردم شهر تالش)، *پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی*، پیاپی ۲۳: ۲۵۰-۲۳۷.
- توحیدیان، یاسمن، نوابخش، مهرداد و آقاجانی مرساء، حسین (۱۳۹۷) بررسی عوامل تهدیدکننده همبستگی اجتماعی در سطح محلات، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، پیاپی ۲۸: ۵۶-۳۳.
- حاتمی، یاسر و کیانوش ذاکر حقیقی (۱۳۹۶) ارزیابی تأثیر کیفیت محیط شهری بر روابط اجتماعی استفاده‌کنندگان از فضا (مطالعه موردی: پیاده راه بوعلی سینا شهر همدان)، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، شماره ۳۰: ۲۶۶-۲۴۵.
- حسین زاده، عسگر، حیدری، قدرت الله، بارانی، حسین، زالی، حسن و زندی اصفهانی، احسان (۱۳۹۵) ارزیابی اثرات مسائل اجتماعی و اقتصادی بر انسجام اجتماعی عشایر (مطالعه موردی: عشایر ایل شاهسون دامنه‌های کوه سیلان)، *فصلنامه مرتع و آبخیزداری*، شماره ۴: ۸۶۱-۸۵۱.
- خباز، هاجر؛ آیتی، محسن و محمدرضایی (۱۳۹۵) رابطه اینترنت با نگرش افراد نسبت به اثرات اینترنت بر روابط اجتماعی و رفتار مذهبی در شهرستان بیرجند، *فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، شماره ۱۹: ۲۳۲-۲۱۱.
- دورکیم، امیل، *درباره تقسیم کار اجتماعی*، باقر پرهام، تهران، مرکز، ۱۳۸۱، چاپ اول.
- رستگار خالد، امیر، محمدی، میثم و اسماعیل بیگی، معصومه (۱۳۹۴) ارتباط احساس محرومیت نسبی با همبستگی اجتماعی بین جوانان شهر تهران، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، سال سوم شماره ۳: ۴۹۵-۴۷۳.
- رضوانی، محمدرضا؛ رمضانزاده لسبویی، مهدی و مرتضی محمد پورجباری (۱۳۸۹) تحلیل اثرات اقتصادی- اجتماعی نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی مورد: ناحیه صنعتی سلیمان‌آباد تنکابن، *مجله جغرافیا و توسعه*، شماره ۱۸: ۲۶-۵.
- سجاسی قیداری، حمدالله؛ محمودی، حمیده و علی معصومی (۱۳۹۶) تحلیل تأثیر مصرف‌گرایی روستاییان بر روابط اجتماعی آن‌ها (مطالعه موردی: روستاهای دهستان رادکن شهرستان چناران)، *نشریه علوم اجتماعی*، سال چهاردهم، شماره ۲: ۱۱۶-۸۵.

شکور، علی، عبدالله‌زاده فرد، علیرضا و خورشیدی، راضیه (۱۳۹۷) نقش ساختار کالبدی بر شکل‌گیری همبستگی اجتماعی در محلات شهری (نمونه موردی: محله قصردشت شیراز)، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، پیاپی ۳۳: ۸۵-۹۶.

طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۷) نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی (مطالعه موردی: نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی)، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۴۰: ۳۳-۴۵.

عباسی شوازی، محمدتقی و پوریا همایون (۱۳۹۳) رسانه‌های اجتماعی و روابط اجتماعی: مطالعه رابطه استفاده از تکنولوژی‌های نوین ارتباطی با انزوای اجتماعی، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۳۶: ۴۳-۶۶.

غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳) *سنجش سرمایه اجتماعی کشور (موج اول)*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، مرکز طرح‌های ملی.

غفاری، غلامرضا (۱۳۹۳) *سنجش سرمایه اجتماعی کشور (موج دوم)*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، مرکز طرح‌های ملی.

غلامی، محمد و حیاتی، عقیل (۱۳۹۲) بررسی تأثیر هویت کالبدی بر انسجام اجتماعی مطالعه موردی: محله اوین شهر تهران، *فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، پیاپی ۳۰: ۱۵۰-۱۳۱.

فرهمند، مهناز، سعیدی مدنی، سیدمحسن و سهندی خلیفه کندی، مهناز (۱۳۹۴) مطالعه تطبیقی انسجام اجتماعی بین دو قومیت آذری و کرد (مورد مطالعه: شهرهای سنندج و تبریز)، *نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران*، سال ششم شماره ۱: ۹۵-۱۲۲.

فیروزآبادی، احمد، دانش مهر، حسین و کریم علینژاد (۱۳۹۷) صنعتی شدن و پیامدهای اجتماعی و زیست‌محیطی؛ تحلیل روایت ساکنان پیرامون طرح پتروشیمی مهاباد، *نشریه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، سال ششم، شماره ۴: ۳۵-۶۲.

کاکابرابی، کیوان و عزتی، نسیم (۱۳۹۶) الگوی روابط ساختاری حل مساله اجتماعی، ادراک کیفیت روابط اجتماعی و بهزیستی هیجانی، *اندیشه و رفتار*، دوره ۱۱، شماره ۴۳: ۷-۱۶.

محسنی، ملیحه و زمانی فرد، علی (۱۳۹۸) رهیافتی بر خوانش روابط اجتماعی در بافت تاریخی بررسی موردی: گذر تاریخی آقا بزرگ کاشان، *نامه معماری و شهرسازی*، شماره ۲۲: ۷۱-۹۰.

محمدیان، مهرداد و مطهر دریا گوهر (۱۳۹۷) بررسی ارتباط کیفیت محیط شهری با روابط اجتماعی شهروندان منطقه ۱ شهرداری تبریز، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، شماره ۲۶: ۳۱-۶۳.

مهدی‌زاده شراره و زهرا خیلا (۱۳۹۲) تلفن همراه و روابط اجتماعی، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۳۲: ۹۹-۱۱۷.

Fischer, C. (1975) Toward a Subcultural Theory of Urbanism. *American journal of Sociology*, 80, pp. 1319-1341.

Adam Smith (1776) *the wealth of nations*, W. Strahan and T. Cadell, London.

- Angela N. Bullock, A. and Colvin, A. (2017) Technology, Human Relationships, and Human Interaction, *Obo in Social Work*. Doi: 10.1093/obo/9780195389678-0249.
- Anselin, L. (1988) *Spatial econometrics: Methods and Models*, Boston: Kluwer Academic Publishers.
- Beugelsdijk, S. and Smulders, S. (2002) *Bridging and Bonding Social Capital: Which type is good for economic growth?* Tilburg University, CentER/Faculty of Economics.
- Christensen, S. P. (2018) Social Media Use and Its Impact on Relationships and Emotions, *A thesis submitted to the faculty of Brigham Young University*, Master of Arts.
- Durkheim, E. (1893) *The Division of Labour in Society*. Trans. W. D. Halls, intro. Lewis A. Coser, New York: Free Press, 1997.
- Garicano, L. Hubbard, T. (2003) *Specialization, Firms, and Markets: The Division of Labor within and Between Law Firms*.
<http://www.econ.yale.edu/seminars/apmicro/am02/hubbard-021106.pdf>.
- Gilbert, A. & Gugler, J. (1992) *Cities, Poverty and Development: Urbanization in the Third World*, Oxford University Press; 2 edition.
- Knack, S., Keefer, P. (1997) Does social capital have an economic payoff? A Cross-country investigation, *Quarterly Journal of Economics*, 112(4): 1251–1288.
- Lesage, J.P. (1999) *The theory and practice of spatial econometrics*, Department of Economics, University of Toledo (www.rri.wvu.edu/WebBook/LeSage/spatial/spatial.html).
- Miguel, E., Gertler, P. and Levine, D. (2006) Build or Destroy Social Networks? *Economic Development and Cultural Change*, 54(2): 287-317.
- Rani, A.(2019) Internet Addiction and its Ties with Social Interaction Anxiety among Sports and NonSports Persons, *International Journal of Innovative Technology and Exploring Engineering (IJITEE)*, Volume-8 Issue-7S2: 198-202.
- Stigler, George J. (1951)The Division of Labor is limited by the Extent of the Market, *The Journal of Political Economy*, 59(3):185-19.
- United Nations Industrial Development Organization (2017) *Industrial Development Report 2018. Demand for Manufacturing: Driving Inclusive and Sustainable Industrial Development*, Vienna.
- Vega, S. H. and Elhorst, J. P. (2013) *On spatial econometric models, spillover effects, and W*. In 53rd ERSA Congress, Palermo, Italy.
- Vriens, E. and van Ingen, E. (2017) Does the rise of the Internet bring erosion of strong ties? Analyses of social media use and changes in core discussion networks. *New media & society*, 20(7): 2432–2449.
- Weber, M. (1973). *Geammelte Aufsätze zur Wissenschaftslehre*: Tübingen: Mohr Siebeck.

Weinhold, D. and Rauch, J.E. (1997) Openness, specialization, and productivity growth in less, *working paper*

6131, National Bureau of Economic Research, Cambridge.

Zhue, H. (2004) the division of labor and the extent of the market, *Economic Theory* 24: 195-209.

